

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۶N۱۱sh۴۴۰۷۱ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

واکاوی کیفری و فقهی جرم محاربه در نظام کنونی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۹/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۱/۰۲)

روح الله شیرزادی

چکیده

جرم محاربه در فقه جزایی اسلامی و حقوق کیفری ایران، یکی از مهم‌ترین عناوین حدی مرتبط با «امنیت عمومی» است که مرز آن با مفاهیمی مانند افساد فی الارض، بغی، سرقت مسلحانه و حتی برخی رفتارهای خشونت‌آمیز پراکنده، همواره محل مناقشه بوده است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با تعریف نسبتاً دقیق‌تر محاربه و افزودن قید «ایجاد ناامنی در محیط»، کوشیده است از اطلاق‌گرایی و توسعه ناروا جلوگیری کند، اما در مقام اجرا و تحلیل نظری، همچنان پرسش‌های جدی درباره ارکان مادی و روانی، قلمرو «سلاح»، معیار «عمومی بودن»، نسبت محاربه با قصدهای شخصی یا سیاسی، و نیز شیوه انتخاب مجازات در میان چهار کیفر حدی مطرح است. این مقاله با رویکرد توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع فقهی امامیه و ادبیات حقوق کیفری، نخست مبانی فقهی و قرآنی محاربه را بازسازی می‌کند، سپس چارچوب قانونی ایران را واکاوی کرده و در نهایت چالش‌های تفسیری و تقنینی را در «نظام کنونی» نشان می‌دهد و پیشنهادهایی برای تقویت قطعیت، پیش‌بینی‌پذیری و سازگاری بیشتر با اصول دادرسی منصفانه ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی: محاربه، افساد فی الارض، بغی، امنیت عمومی، فقه جزایی، قانون مجازات

اسلامی، حدود، ارباب، ناامنی

مقدمه

در سنت فقهی مسلمانان، «امنیت» صرفاً یک موضوع انتظامی یا اداری نیست، بلکه رکن قوام زندگی اجتماعی و زمینه تحقق بسیاری از حقوق و تکالیف شرعی تلقی می‌شود. از همین رو، بخشی از جرایم حدی ناظر به صیانت از امنیت عمومی و دفع تهدیدهای ساختارشکنانه تعریف شده‌اند. محاربه در این میان جایگاهی ممتاز دارد؛ زیرا در ادبیات کلاسیک، نمونه بارز آن «راهزنی مسلحانه» و ایجاد ترس فراگیر در مسیرهای عمومی بوده است، اما در دوره معاصر، الگوهای تهدید تغییر کرده و ابزار ارباب، پراکندگی مکانی، سازمان‌یافتگی، فناوری و رسانه می‌تواند اثر «ناامنی» را تشدید یا در ظاهر پنهان کند.

در ایران پس از انقلاب، محاربه از سطح یک اصطلاح فقهی به یک عنوان قانونی دارای آثار کیفری سنگین منتقل شد. تقنین این عنوان، از یک سو با هدف تأمین امنیت و مقابله با خشونت سازمان‌یافته صورت گرفت و از سوی دیگر، به دلیل پیوند آن با مجازات‌های شدید، حساسیت‌های فراوانی را در حوزه حقوق بشر، عدالت کیفری، سیاست جنایی و تفسیر قضایی برانگیخت. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تعریف جدید محاربه و تفکیک آن از افساد فی الارض و بغی، تلاش کرده است صورت‌بندی حقوقی روشن‌تری ارائه کند، اما همین بازتعریف نیز پرسش‌های تازه‌ای را درباره «معیار عمومی بودن»، «درجه تحقق ناامنی»، «نقش ناتوانی مرتکب»، «قلمرو شمول سلاح»، «جایگاه توبه»، و «منطق انتخاب کیفر حدی» ایجاد کرده است.

این مقاله می‌کوشد با نگاهی توأمان فقهی و کیفری، محاربه را در نظام کنونی ایران واکاوی کند؛ یعنی هم پیوندهای آن با منابع کلاسیک امامیه و هم سازوکارهای حقوق موضوعه و پیامدهای سیاست جنایی را در کنار هم بنشانند. فرض بنیادین مقاله این است که هرگونه توسعه قلمرو محاربه بدون معیارهای روشن و قابل سنجش، خطر تزلزل اصل قانونی بودن، نقض قاعده درأ در حدود و افزایش عدم پیش‌بینی‌پذیری قضایی را بالا می‌برد؛ و در مقابل، تقویت معیارهای تفسیری می‌تواند هم امنیت عمومی و هم عدالت کیفری را بهتر تأمین کند.

بخش اول: بیان مسئله

بند اول: صورت مسئله در سطح مفهومی

مسئله اصلی این است که «محاربه» در نظام حقوقی کنونی ایران دقیقاً چه رفتاری را پوشش می‌دهد و مرز آن با مفاهیم نزدیک کجاست. اگر محاربه را صرفاً «کشیدن سلاح» بدانیم، دامنه عنوان بسیار گسترده می‌شود و ممکن است رفتارهای متعدد دارای ماهیت شخصی یا محدود را نیز شامل کند. اگر آن را صرفاً «راهزنی کلاسیک» بدانیم، بسیاری از تهدیدهای نوین علیه امنیت عمومی از شمول عنوان خارج می‌ماند. بنابراین باید دید قانون‌گذار با افزودن قیدهایی مانند «قصد جان، مال یا ناموس» و «ایجاد ناامنی در محیط» چه تصویری از محاربه ساخته و فقه امامیه چه ظرفیت‌ها و محدودیت‌هایی برای تفسیر این تصویر دارد.

بند دوم: صورت مسئله در سطح حقوقی و قضایی

در سطح حقوقی، مشکل مهم «معیارگذاری» است. قاضی باید احراز کند که کشیدن سلاح یا به کارگیری آن، چگونه به ناامنی در محیط انجامیده و این ناامنی چه درجه‌ای دارد. همچنین باید روشن شود که آیا «عدم تحقق ناامنی به دلیل ناتوانی مرتکب» صرفاً یک مانع تحقق است یا می‌تواند به نوعی شروع به محاربه یا عنوان دیگری تبدیل شود. از سوی دیگر، وجود چهار مجازات حدی متفاوت و اختیار قاضی در انتخاب، می‌تواند زمینه ناهمسانی آراء را افزایش دهد، مگر اینکه معیارهای انتخاب مجازات مشخص و قابل دفاع باشد.

بند سوم: صورت مسئله در سطح سیاست جنایی و حقوق شهروندی

محاربه از جرایمی است که هم به دلیل بار ارزشی و دینی، و هم به دلیل شدت کیفر، در سیاست جنایی نقشی نمادین دارد. این وضعیت، امکان «سیال شدن» عنوان در مواجهه با بحران‌های امنیتی را افزایش می‌دهد. اگر عنوان سیال شود، اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و اصل تناسب مجازات آسیب می‌بیند. در نتیجه، مسئله مقاله تنها یک بحث فقهی یا صرفاً قانونی نیست، بلکه با اعتماد عمومی به عدالت کیفری، ثبات حقوقی و امکان پیش‌بینی‌پذیری رفتار دولت نیز پیوند می‌خورد.

بخش دوم: چارچوب مفهومی و فقهی محاربه

بند اول: ریشه مفهومی و غایت اجتماعی

در فقه جزایی، محاربه معمولاً در کنار مفاهیمی مانند «قطع طریق» و «اخافه الناس» بررسی شده است. غایت مشترک این مفاهیم، حمایت از امنیت راه‌ها، سلامت عمومی، و جلوگیری از ترس فراگیر است. در نگاه فقهی، جرم صرف تجاوز به مال یا جان، ممکن است ذیل سرقت یا قتل و قصاص قرار گیرد، اما وقتی رفتار به «ترس اجتماعی» و اختلال در امکان زیست جمعی منتهی شود، ماهیت جرم تغییر می‌کند و از سطح یک تعارض شخصی به سطح «تهدید عمومی» منتقل می‌شود.

بند دوم: مبنای قرآنی و جایگاه اخافه

مبنای اصلی بحث محاربه، آیه مشهور سوره مائده است که در ادبیات فقهی به «آیه محاربه» شناخته می‌شود و در کنار آن، آیه بعدی که از امکان توبه پیش از دستگیری سخن می‌گوید، در فهم سیاست کیفری اسلام اهمیت دارد. در تفسیرهای مختلف، این آیات گاه ناظر به راهزنی مسلحانه، گاه ناظر به شورش مسلحانه علیه نظم عمومی، و گاه ناظر به مجموعه‌ای از رفتارهای خشونت‌بار ضد امنیتی دانسته شده‌اند. نقطه مشترک بسیاری از تحلیل‌ها آن است که «اخافه» و ایجاد هراس، عنصر کلیدی است؛ به این معنا که صرف حمل یا نمایش سلاح در خلأ اجتماعی، به محاربه تبدیل نمی‌شود مگر اینکه در بیرون، اثر امنیت‌سوز پیدا کند.

بند سوم: ارکان فقهی و اختلافات مشهور

در منابع امامیه، در کنار پذیرش اصل عنوان، اختلافاتی در چند محور دیده می‌شود. محور نخست درباره معیار «عمومیت» است؛ یعنی آیا کافی است که رفتار در معبر عمومی واقع شود یا باید بالفعل موجب خوف عمومی شود. محور دوم درباره «نوع سلاح» است؛ اینکه سلاح منحصر به ابزارهای جنگی رایج است یا هر وسیله‌ای که عرفاً موجب تهدید جدی شود. محور سوم درباره رابطه محاربه و افساد فی الارض است؛ برخی آن دو را در فقه کلاسیک هم‌پوشان یا نزدیک می‌بینند و برخی تفکیک مفهومی قائلند. محور چهارم درباره منطق کیفرهاست؛ اینکه چهار کیفر آیه، در اختیار حاکم برای انتخاب است یا تابع شدت جرم و نوع نتیجه.

بخش سوم: مرور ادبیات و پیشینه پژوهش

بند اول: رویکردهای فقهی در آثار فارسی

پژوهش‌های فارسی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته نخست آثاری هستند که با رویکرد فقهی کلاسیک، محاربه را عمدتاً برابر با راهزنی و اخافه در طرق می‌گیرند و تلاش می‌کنند قیود فقهی مشهور را استخراج کنند. در این رویکرد، تأکید بر احتیاط در دماء، قاعده درأ، و محدودسازی قلمرو عنوان دیده می‌شود. دسته دوم آثاری هستند که از زاویه حقوق کیفری و سیاست جنایی، به پیامدهای اجتماعی و قضایی توسعه یا تضییق عنوان می‌پردازند و نقش قانون‌گذاری ۱۳۹۲ در تفکیک محاربه از افساد فی‌الارض را برجسته می‌کنند. دسته سوم نیز پژوهش‌هایی هستند که رویه قضایی و مسائل کاربردی مانند معاونت، شروع به جرم، یا معیارهای احراز ناامنی را تحلیل می‌کنند و به خلأهای اجرایی اشاره دارند.

بند دوم: رویکردهای حقوقی و انتقادی در ادبیات فارسی

در ادبیات حقوقی، چند محور پرتکرار است. نخست، تحلیل تعریف ماده قانونی و قید «ناامنی در محیط» به عنوان رکن نهایی یا نتیجه مجرمانه. دوم، بررسی نسبت محاربه با جرایم سیاسی، امنیتی و عناوین مجاور مانند بغی. سوم، نقد اختیار قاضی در انتخاب مجازات و پیشنهاد معیارسازی برای جلوگیری از سلیقه‌ای شدن. چهارم، نقد مبانی جرم‌انگاری و تلاش برای سازگار کردن قلمرو محاربه با اصل تفسیر مضیق و قواعد اثباتی خاص حدود.

بند سوم: ادبیات انگلیسی و نسبت آن با فهم معاصر محاربه

در ادبیات انگلیسی، اصطلاح رایج‌تر «حِرابه» یا «هَرابه» است که غالباً در قالب «banditry» یا «highway robbery» و گاهی در پیوند با مفهوم امنیت عمومی و حتی بحث تروریسم طرح می‌شود. پژوهش‌های جدیدتر، دو نکته را برجسته می‌کنند: یکی اینکه چهار کیفر قرآنی به تنهایی معیار تفکیک شدت جرم را روشن نمی‌کند و مکاتب فقهی ناگزیر به معیارسازی شده‌اند؛ دیگر اینکه تحولات فناوری و الگوهای خشونت جمعی، بحث از «امنیت عمومی» را از جغرافیای راه‌ها به جغرافیای شهرها و حتی فضای مجازی و عملیات از راه دور منتقل کرده است. برخی نویسندگان می‌کوشند ظرفیت‌های فقه برای

مواجهه با تهدیدهای نوین را فعال کنند و برخی دیگر بر خطر توسعه بی‌ضابطه و ناسازگاری با اصول حقوق کیفری مدرن انگشت می‌گذارند.

بخش چهارم: روش شناسی

بند اول: نوع پژوهش و رویکرد کلی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است. در بخش توصیفی، مفاهیم و ساختار قانونی محاربه در ایران و نیز مبانی فقهی آن بازنمایی می‌شود. در بخش تحلیلی، تلاش می‌شود نسبت میان ارکان فقهی و ارکان قانونی روشن گردد و نقاط اصطکاک یا ابهام مشخص شود. تمرکز اصلی بر «نظام کنونی» به معنای چارچوب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و فهم‌های محتمل از آن است.

بند دوم: منابع داده و شیوه گردآوری

داده‌های پژوهش شامل سه دسته است: متون قانونی و تقنینی، متون فقهی و تفسیری، و مقالات علمی فارسی و انگلیسی. گزینش منابع با معیار ارتباط مستقیم با تعریف، ارکان و پیامدهای محاربه انجام شده است. در حوزه فقهی، علاوه بر تکیه بر منابع امامیه، به ادبیات تطبیقی معاصر نیز توجه شده تا تفاوت مسئله‌پردازی سنتی و معاصر روشن شود.

بند سوم: چارچوب تحلیل و معیار ارزیابی

چارچوب تحلیل بر سه معیار استوار است: معیار نخست «قطعیّت مفهومی» است؛ یعنی آیا تعریف و ارکان به اندازه‌ای روشن هستند که امکان پیش‌بینی‌پذیری حقوقی فراهم شود. معیار دوم «سازگاری فقهی» است؛ یعنی آیا تفسیرهای قانونی با مبانی مشهور فقه امامیه، به‌ویژه قواعد احتیاط در حدود و درأ، همخوانی دارند. معیار سوم «کارآمدی سیاست جنایی» است؛ یعنی آیا عنوان محاربه به‌گونه‌ای تنظیم شده که هم از امنیت عمومی حمایت کند و هم مانع توسعه ناروا و بی‌ضابطه شود.

بخش پنجم: واکاوی کیفری محاربه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

بند اول: تعریف قانونی و عناصر تشکیل‌دهنده

قانون ۱۳۹۲ محاربه را بر محور «کشیدن سلاح» و «قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنان» بنا می‌کند و شرط می‌گذارد که این رفتار باید «موجب ناامنی در محیط» شود. این صورت‌بندی چند پیام دارد. نخست اینکه قانون‌گذار، محاربه را به رفتارهای خشونت‌آمیز تهدیدکننده پیوند می‌زند نه صرف مخالفت یا نزاع لفظی. دوم اینکه عنصر روانی را محدود به قصدهای مشخص می‌کند و از بی‌معیار بودن انگیزه جلوگیری می‌کند. سوم اینکه با قرار دادن «ناامنی در محیط» به عنوان نتیجه، میان «تهدید بالفعل امنیت» و «تهدید صرفاً بالقوه» تفکیک می‌گذارد.

بند دوم: قید عمومی بودن و استثنای دشمنی شخصی

قانون، حالتی را که فرد به انگیزه شخصی علیه یک یا چند شخص خاص سلاح می‌کشد و رفتار او جنبه عمومی ندارد، از شمول محاربه خارج می‌کند. این استثنا از حیث سیاست جنایی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا بسیاری از خشونت‌ها در جامعه ممکن است با سلاح واقع شوند، اما ماهیت آنها نزاع خصوصی یا انتقام شخصی است. در چنین مواردی، عنوان‌های دیگری مانند قتل، ضرب و جرح، تهدید، یا جرایم تعزیری مرتبط می‌تواند اعمال شود، بدون آنکه سنگینی و پیامدهای نمادین محاربه به پرونده تحمیل شود.

بند سوم: نقش «ناتوانی» و مسئله تحقق نتیجه

قانون همچنین می‌گوید اگر فردی به سوی مردم سلاح بکشد ولی به سبب ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود. این قاعده، محاربه را به جرم دارای «نتیجه اجتماعی» نزدیک می‌کند. البته اینجا یک بحث ظریف شکل می‌گیرد: آیا هرگاه ناامنی تحقق نیابد، رفتار کاملاً از دایره کیفری خارج می‌شود یا باید تحت عنوان دیگری، مانند تهدید، حمل سلاح غیرمجاز، یا جرایم تعزیری علیه آسایش عمومی بررسی شود. پاسخ عملی این است که قانون با نفی عنوان محاربه، نفی همه مسئولیت کیفری را اراده نکرده، بلکه تنها مرزگذاری کرده است تا عنوان حدی با معیار سخت‌گیرانه‌تری احراز شود.

بند چهارم: شمول سلاح و معیار عرفی تهدید

یکی از نقاط حساس، مفهوم «سلاح» است. قانون در تعریف محاربه، سلاح را به صورت فهرستی محدود نکرده و این امر، نقش عرف و رویه را پررنگ می‌کند. در تحلیل حقوقی، دو رویکرد قابل تصور است. رویکرد نخست سلاح را به ابزارهای متعارف کشتار یا جرح شدید محدود می‌کند تا از توسعه بی‌ضابطه جلوگیری شود. رویکرد دوم، معیار را «قابلیت ایجاد ارعاب مؤثر» می‌داند؛ یعنی هر وسیله‌ای که در شرایط عینی و عرفی، بتواند خوف جدی و ناامنی ایجاد کند، می‌تواند در حکم سلاح قرار گیرد. نقطه احتیاط‌آمیز آن است که رویکرد دوم، اگر بدون معیارهای روشن اجرا شود، ممکن است عنوان محاربه را به سمت گستردگی بکشانند؛ بنابراین حتی در رویکرد دوم هم باید «شدت تهدید» و «عمومیت اثر» احراز شود.

بند پنجم: محاربه، سرقت مسلحانه و امنیت راه‌ها

قانون، راهزنان، سارقان و قاچاقچیان را که به سلاح متوسل می‌شوند و امنیت عمومی یا امنیت راه‌ها را بر هم می‌زنند، محارب می‌داند. این حکم، پیوند کلاسیک محاربه با قطع طریق را حفظ می‌کند و نشان می‌دهد قانون‌گذار همچنان «امنیت مسیرهای عمومی» و «تردد امن» را به عنوان هسته سخت جرم می‌بیند. در عین حال، واژه‌هایی مانند «اخلال در امنیت عمومی» سبب می‌شود که محاربه از جغرافیای راه‌ها فراتر رود و در قلمرو شهر و فضاهای عمومی نیز قابلیت تحقق پیدا کند، البته مشروط به احراز همان نتیجه کلیدی یعنی ناامنی.

بند ششم: مجازات‌ها و مسئله اختیار قاضی

چهار مجازات حدی برای محاربه پیش‌بینی شده و قاضی اختیار انتخاب یکی را دارد. در منطق حقوق کیفری، چنین اختیاری اگر بدون معیارهای هدایت‌گر باشد، احتمال ناهمسازی تصمیم‌ها را بالا می‌برد. از سوی دیگر، اگر معیارهای سخت و قالبی وضع شود، ممکن است انعطاف لازم برای تناسب بخشی از بین برود. راه میانه، معیارسازی در چهارچوب اصول است: شدت تهدید، گستره ناامنی، میزان آسیب به جان و مال و ناموس، سازمان‌یافتگی، تکرارپذیری، و نقش مرتکب در ایجاد موج ترس اجتماعی. هرچه این معیارها روشن‌تر شوند، تصمیم قضایی هم قابل دفاع‌تر و پیش‌بینی‌پذیرتر می‌شود.

بخش ششم: واکاوی فقهی و نسبت آن با نظام کنونی

بند اول: محاربه به مثابه جرم علیه امنیت جمعی

در فقه امامیه، محاربه غالباً به عنوان جرمی دیده می شود که «حق الله» بودن آن برجسته است؛ یعنی آسیب آن محدود به بزه دیده خاص نیست و متوجه جامعه و نظم عمومی است. همین ویژگی، توجیه اصلی شدت کیفرها شمرده می شود. از این زاویه، عنصر محوری همان «اخافه» است: ترسی که مردم را از امنیت طبیعی زندگی و رفت و آمد و مالکیت مطمئن خارج می کند. بنابراین اگر در یک رفتار مسلحانه، خوف عمومی شکل نگیرد، بسیاری از فقها عنوان محاربه را محقق نمی دانند، هرچند ممکن است عنوان های دیگر مانند جرح، قتل یا تعزیرات مربوط به حمل سلاح مطرح باشد.

بند دوم: منطق کیفرها و بحث تخیر یا ترتیب

یکی از مهم ترین مباحث فقهی درباره آیه محاربه، این است که چهار کیفر آیا «تخیری» است یا «ترتیبی». رویکرد تخیری، برای حاکم یا قاضی اختیار قائل می شود تا بر پایه مصلحت و تناسب، یکی از مجازات ها را برگزیند. رویکرد ترتیبی، کیفرها را تابع نوع رفتار و نتیجه می داند؛ مثلاً اگر قتل و غارت همراه باشد، کیفر شدیدتر؛ و اگر صرف ارباب باشد، کیفر سبک تر. قانون ۱۳۹۲ با تصریح به اختیار قاضی در انتخاب، به رویکرد تخیری نزدیک تر شده است. اما از منظر فقهی و سیاست کیفری، حتی در چارچوب تخیر نیز نیاز به «ضابطه مندی» باقی است، زیرا حدود با اصل احتیاط و دفع شبهه پیوند دارند و تصمیم بدون معیار، شبهه زا می شود.

بند سوم: توبه و فلسفه بازگشت از خشونت

در منابع اسلامی، توبه در برخی جرایم حدی نقش متفاوتی دارد. در بحث محاربه، آیه بعدی درباره توبه پیش از دستگیری، در ادبیات فقهی به عنوان سازوکار کاهش خشونت و تشویق به بازگشت از مسیر خطرناک تحلیل شده است. از این منظر، فلسفه حکم تنها «کیفر» نیست، بلکه «بازدارندگی همراه با امکان بازگشت» نیز هست. در نظام حقوقی کنونی، بحث توبه هم در سطح قواعد عمومی و هم در سطح برداشت قضایی اثرگذار است، اما چالش اصلی این است که توبه چگونه احراز می شود و نسبت آن با حق الناس و خسارت ها چیست. یک سیاست جنایی متوازن، باید میان امنیت عمومی، حق بزه دیدگان و امکان اصلاح

مرتکب تعادل برقرار کند.

بند چهارم: نسبت محاربه و افساد فی الارض

یکی از نقاط مناقشه در فقه و حقوق ایران، هم‌نشینی محاربه و افساد فی‌الارض در آیه و سپس تفکیک آنها در قانون است. قانون ۱۳۹۲ افساد فی‌الارض را به «ارتکاب گسترده» برخی جرایم و ایجاد اختلال شدید در نظم عمومی یا ناامنی گسترده مرتبط می‌کند و آن را مستقل از محاربه می‌بیند. از نگاه فقهی، برخی این تفکیک را قابل دفاع می‌دانند، زیرا محاربه را به کشیدن سلاح و اخافه مرتبط می‌کنند و افساد را عنوانی عام‌تر برای «فساد گسترده». برخی دیگر معتقدند تفکیک تقنینی اگر معیارهای مرزی را شفاف نکند، ممکن است تعارض رویه و دوگانگی تفسیر ایجاد کند. مسئله کلیدی، مرزبندی عینی است: محاربه معمولاً بر «کنش مسلحانه و ارعاب‌آفرین» تکیه دارد، در حالی که افساد فی‌الارض بر «گسترده‌گی و اثر کلان اجتماعی» تکیه می‌کند، حتی اگر ابزار آن همیشه سلاح نباشد.

بند پنجم: نسبت محاربه و بغی در نظام کنونی

بغی در فقه و قانون، بیشتر با «قیام مسلحانه علیه حکومت» و سازمان‌یافتگی سیاسی پیوند می‌خورد، در حالی که محاربه بیشتر به «تهدید امنیت عمومی مردم» توجه دارد. با این حال، در برخی موقعیت‌ها امکان تداخل وجود دارد؛ مثلاً گروهی که علیه حکومت مسلح می‌شود، ممکن است امنیت عمومی را نیز به‌طور مستقیم تهدید کند. قانون با تفکیک فصول، تلاش کرده است این دو را جدا کند، اما در پرونده‌های واقعی، احراز قصد و هدف، نقش تعیین‌کننده دارد. اگر هدف اصلی، مقابله مسلحانه با ساختار سیاسی باشد، بغی برجسته می‌شود؛ اگر هدف اصلی، ایجاد رعب در میان مردم یا تعرض به جان و مال و ناموس آنان باشد، محاربه برجسته می‌شود. این تفکیک، نیازمند بررسی دقیق اوضاع و احوال، نوع قربانیان و نحوه اثرگذاری اجتماعی رفتار است.

بخش هفتم: چالش‌ها، ملاحظات اجرایی و پیشنهادها

بند اول: چالش معیار «ناامنی در محیط»

قید «ناامنی در محیط» در عین مفید بودن، می‌تواند مبهم نیز باشد اگر شاخص نداشته باشد. ناامنی آیا باید بالفعل در سطح عمومی رخ دهد یا احتمال عقلایی و قریب‌الوقوع کافی است. آیا ناامنی در یک محله کوچک هم کفایت می‌کند یا باید دامنه گسترده‌تری داشته

باشد. پیشنهاد این است که در تفسیر قضایی، به شاخص‌های قابل احراز تکیه شود: واکنش متعارف مردم، توقف یا اختلال محسوس در تردد یا فعالیت عادی، گزارش‌های معتبر انتظامی، و قرائن رفتاری مانند فرار جمعی یا تعطیلی خدمات. هرچه شاخص‌ها روشن‌تر باشد، تصمیم حدی از سلیقه دورتر می‌شود.

بند دوم: ضرورت معیارسازی برای مفهوم سلاح

ابهام در مفهوم سلاح می‌تواند موجب اختلاف شدید در آراء شود. در سطح تقنینی یا دست‌کم در سطح نظریه‌های مشورتی و رویه، می‌توان معیارهایی پیشنهاد کرد: قابلیت متعارف برای کشتن یا جرح شدید، قابلیت ایجاد خوف جدی و فوری، و تناسب وسیله با ادعای مرتکب. همچنین باید میان «حمل» و «کشیدن» یا «به‌کارگیری تهدیدآمیز» تفکیک گذاشت، زیرا بسیاری از نظام‌های حقوقی، صرف حمل را جرم‌انگاری می‌کنند اما آن را هم‌سنگ تهدید مسلحانه نمی‌دانند.

بند سوم: هدایت اختیار قاضی در انتخاب مجازات

اختیار انتخاب مجازات حدی برای محاربه، بدون معیارهای هدایت‌گر می‌تواند به تفاوت‌های شدید منتهی شود. پیشنهاد عملی این است که الگوی تناسب‌بخشی تدوین شود: اگر رفتار صرفاً ارباب‌آفرین بوده و منجر به قتل یا جرح شدید یا غارت نشده، مجازات‌های کم‌سنگ‌تر در چهارچوب حد ترجیح داده شود. اگر رفتار به قتل یا تجاوز گسترده یا سلب امنیت پایدار انجامیده، مجازات شدیدتر قابل توجیه‌تر است. در هر حال، اصل «احتیاط در دماء» اقتضا می‌کند که در موارد شبهه، از شدیدترین کیفرها فاصله گرفته شود.

بند چهارم: تفکیک روشن‌تر میان محاربه و افساد فی‌الارض

تفکیک تقنینی میان این دو عنوان، وقتی ثمربخش است که مرزهای آن روشن باشد. پیشنهاد این است که معیار غالب برای محاربه، «کنش مسلحانه ارباب‌آفرین و ایجاد ناامنی» باقی بماند و معیار غالب برای افساد فی‌الارض، «گسترده‌گی و اثر کلان اجتماعی» باشد. اگر رفتار مسلحانه وجود دارد اما گسترده‌گی همزمان نیز شدید است، باید با دقت از تعدد یا عنوان صحیح استفاده شود و از برچسب‌زنی شتاب‌زده پرهیز گردد.

بند پنجم: جمع‌بندی نهایی

محاربه در نظام کنونی ایران، عنوانی است که در نقطه تلاقی فقه، امنیت و عدالت کیفری قرار دارد. قانون ۱۳۹۲ با تعریف جدید و افزودن قیده‌های مهم، ظرفیت مناسبی برای تفسیر محدود و منضبط فراهم کرده است، اما تحقق این ظرفیت، وابسته به دقت قضایی در احراز ناامنی، معیارسازی در مفهوم سلاح، و هدایت‌پذیر کردن اختیار انتخاب مجازات است. اگر این عناصر تقویت شود، هم کارآمدی امنیتی و هم مشروعیت کیفری افزایش می‌یابد و امکان خطای قضایی در جرمی با آثار سنگین کاهش پیدا می‌کند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- قرآن کریم، سوره مائده، آیات ۳۳ و ۳۴ (journals.whc.ir).
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، بخش حدود، فصل محاربه، مواد ۲۷۹ تا ۲۸۵ و فصل بغی و افساد فی الارض، مواد ۲۸۶ تا ۲۸۸.
- حسن پوربافرانی، حسن، «تحلیل جرم محاربه»، فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۹۱، صفحات مقاله طبق نسخه نشریه). پرتال جامع علوم انسانی).
- حائری، محمدحسن؛ قبولی درافشان، سیدمحمدتقی؛ موسوی مشهدی، سیده قدسیه، «نگرشی نو در رابطه جرم سیاسی با مفاهیم محاربه، افساد فی الارض و بغی در فقه و حقوق موضوعه»، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۹، شماره ۳، مرداد ۱۳۹۱، صفحات ۵۱ تا ۷۸ (Razavi Journals).
- سالارزایی، امیرحمزه؛ افروشته، جمیله، «تحلیل تفکیک بین محاربه و افساد فی الارض در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، جستارهای فقهی و اصولی، دوره ۵، شماره ۱۴، ۱۳۹۸، صفحات ۱۶۷ تا ۱۸۹.
- محمودی، عبدالله، «بررسی فقهی محاربه با تأکید بر ماده ۲۷۹ قانون جدید مجازات اسلامی»، رسائل، سال ۱۰، بهار و تابستان ۱۴۰۳، شماره ۱، صفحات مطابق اصل مقاله). پرتال جامع علوم انسانی).
- «بررسی تفسیری آیه ۳۳ سوره مائده (آیه محاربه)»، مجله وابسته به پژوهش‌های قرآنی و حدیثی، مشخصات شماره طبق پایگاه نشریه (journals.whc.ir).
- «بررسی رابطه جرم محاربه و افساد فی الارض؛ از مبانی فقهی تا رویه قضایی»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه/مؤسسه مربوط، اطلاعات کتابشناختی طبق پایگاه نشریه (journals.miu.ac.ir).

- رکن نهایی در جرم محاربه و عنصر روانی ناظر بر آن، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، اطلاعات شماره و صفحات طبق پایگاه نشریه .
(jjfil.ut.ac.ir)

(ب) منابع انگلیسی

- Iran, Islamic Penal Code ۲۰۱۳, English translation, Chapter Eight Moharebeh, Articles ۲۷۹ to ۲۸۵; Chapter Nine Baqy and Efsad-e-fel-arz, Articles ۲۸۶ to ۲۸۸, Refworld / ILGA database PDF. (ILGA Database)
- Peters, Rudolph, Crime and Punishment in Islamic Law: Theory and Practice from the Sixteenth to the Twenty-First Century, Cambridge University Press, ۲۰۰۶. (Google Books)
- Kamali, Mohammad Hashim, Crime and Punishment in Islamic Law: A Fresh Interpretation, Oxford University Press, ۲۰۱۹. (Google Books)
- Asri, Muhammad Hameedullah Md; Ruslan, Md Khalil, "The Crime of Hīrābah: Approach, Justification and Significance," Jurnal Syariah, Volume ۲۸, Issue ۳, ۲۰۲۰, pages per journal version. (ResearchGate)
- Kamali, Mohammad Hashim, "Terrorism, Banditry and Hirabah: Advancing New Shariah Perspectives," Islamic Civilization Review / ICR (paper PDF), year and issue per journal file. (icrjournal.org)